

درس سوم: اصول انتخاب درست

نگارش:

محمود یعقوبی

دبیر جامعه شناسی و اقتصاد شهرستان زیرکوه، استان خراسان جنوبی

« نقشه راه »

۱- افراد در تصمیم گیری های منطقی چگونه عمل می کنند؟
در تصمیم گیری های منطقی، افراد هزینه ها و منافع گزینه های مختلف را باهم مقایسه و بهترین آنها را انتخاب می کنند.

« طرح مسئله »

۲- تصمیمات عاقلانه در انتخاب چگونه به وجود می آید؟

تصمیمات عاقلانه از مقایسه هزینه ها و منافع در هر انتخاب به وجود می آید.

۳- قبل از هر تصمیمی در انتخاب کسب و کار، چه اصولی را باید اصولی را رعایت کنیم؟

اصل اول: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنیم. اصل دوم: منابع کمیاب خود را شناسایی کنیم.

اصل سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنیم. اصل چهارم: هزینه های در رفته را فراموش کنیم.

اصل پنجم: بین هزینه ها و منافع خود، مقایسه کنیم.

« اصل اول: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید »

۴- دانش اقتصاد از چه مفهومی برای تفکر درباره هزینه ها استفاده می کند؟

هزینه فرصت

۵- منظور از هزینه فرصت یک انتخاب چیست؟

هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما آن را هنگام انتخاب از دست داده اید.

۶- اگر از بین سینمارفتن بابلیت ده هزار تومان، بسکتبال بازی کردن، مطالعه کردن و رفتن به بازار برای

خرید، سینمارفتن را انتخاب کنید هزینه فرصت سینمارفتن چیست؟

هزینه فرصت سینمارفتن در واقع بهترین گزینه بعدی است که بعد از سینمارفتن می توانستیم انجام دهیم ولی از آن صرف نظر کرده ایم مثلاً اگر بهترین گزینه بعدی بسکتبال بازی کردن باشد پس هزینه فرصت سینمارفتن بسکتبال بازی کردن است که از آن صرف نظر کرده ایم و همچنین ده هزار تومان پول بلیتی که برای سینمارفتن پرداخت کرده ایم، چون ده هزار تومان برای چیزهای دیگر کم خواهیم داشت.

۷- چرا زمان و پول (منابع) ما «کمیاب» است؟

پول یکی از امکانات کمیاب شماسست. با یک مقدار مشخص از پول، نمی توانید هر چیزی را بخرید. وقت و زمان هم از داشته های کمیاب شماسست. هر کاری مثل خوابیدن، غذا خوردن، مطالعه، تفریح، وب گردی در اینترنت و کارهای دیگری که به آن علاقه دارید همگی به زمان نیاز دارند و انجام هر کدام از آنها در زمان مشخص به معنای عدم امکان انجام بقیه است.

۸- به چه دلیل باید بین گزینه های انتخاب، «بده-بستان» کرد؟

به دلیل وجود کمیابی در امکانات و داشته ها، همیشه باید بین گزینه های انتخاب «بده - بستان» کرد.

۹- منظور از «بده-بستان» چیست؟ مثال بزنید.

بده - بستان یعنی چیزی را رها می کنید تا چیز دیگری را به دست آورید.

مثلاً فرض کنید ۱۰۰ هزار تومان پول برای خرج کردن دارید؛ با این پول می توانید وسایل لازم برای ساخت ربات امدادگر را تهیه کنید تا در مسابقات رباتیک مدرسه شرکت کنید؛ البته می خواهید یک جفت قناری زیبا هم بخرید یا حتی یک آکواریوم کوچک برای خودتان دست و پا کنید؛ لباس های ورزشی جدیدی نیز آمده که خیلی از بچه های مدرسه خریده اند و از خرید آن هم بدتان نمی آید! اگر پولتان را برای هر کدام از این موارد خرج کنید، برای گزینه های دیگر چیزی باقی نمی ماند. اگر پول کمیاب نبود، می توانستید به جای آکواریوم کوچک یک آکواریوم بزرگ آب شور بخرید یا اینکه هر روز با یک لباس ورزشی جدید به مدرسه بروید؛ اما پول کمیاب است و نمی شود همه چیز را با هم داشت. به همین دلیل باید بین گزینه های انتخاب، بده - بستان کرد؛ یعنی یکی را گرفت و مابقی را رها کرد.

«اصل دوم: منابع کمیاب خود را شناسایی کنید»

۱۰- برای تولید کالاها و خدمات، باید به سراغ برویم.

منابع کمیاب

۱۱- اولین امکانات ما برای تولید کالا و خدمات چیست؟

منابع کمیاب تولید، اولین امکانات ما برای تولید کالاها و خدمات هستند و می توان آنها را عوامل تولید نیز دانست.

۱۲- منابع کمیاب (عوامل تولید) را نام ببرید. مثال بزنید.

(الف) منابع گاهی طبیعی اند، مثل چوبی که نجار روی آن کار می کند یا دانه گندمی که کشاورز آن را در زمین می کارد.

(ب) گاهی انسانی اند، مثل نیروی کاری که در کارگاه مشغول به کار است.

(ج) گاهی منابع تولید، سرمایه های مالی اند. مثل پولی که شخص برای راه اندازی یک کارگاه تولیدی در نظر گرفته است.

(د) گاهی منابع تولید سرمایه های فیزیکی اند. مثل ابزار و ماشین آلاتی که در جریات تولید از آن ها استفاده می شود. (تراکتور، ...)

۱۳- کدام یک از عوامل تولید مهمتر است؟ مثال بزنید.

عوامل انسانی - بسیار اتفاق می افتد که در جایی همه عوامل تولید وجود دارد و نیاز یا خواسته برآورده نشده ای هم هست، ولی کارآفرینی که آن کسب و کار را راه انداخته و نیاز مورد نظر را پاسخ دهد، وجود ندارد. نیروی انسانی وظیفه ترکیب سایر عوامل تولید را بر عهده دارد؛ مثل آشپزخانه ای که پر از مواد غذایی است ولی آشپزی که آنها را باهم ترکیب و یک غذای لذیذ تهیه کند، وجود ندارد.

۱۴- تمایل افراد به سازماندهی و عملیاتی کردن کسب و کارهای جدید با پذیرش خطر عدم موفقیت است.

کارآفرینی

۱۵- کارآفرینان با چه هدفی عوامل تولید را گرد هم می آورند؟

کارآفرینان در جستجوی فعالیت های سودآور، عوامل تولید شامل نیروی کار، سرمایه ها و منابع طبیعی را گرد هم می آورند تا با تولید کالاها و خدمات، نیازها و خواسته های دیگران را برآورده کنند و از این محل کسب درآمد نمایند.

۱۶- علاوه بر انتخاب های شخصی، دانش اقتصاد با انتخاب های نیز مواجه است.

اجتماعی

۱۷- آیا اجتماع و جوامع با کمیابی منابع و انتخاب مواجه هستند؟

اجتماع نیز امکانات، منابع و داشته های کمیابی دارد و با انتخاب و بده - بستان روبه روست.

در هر نقطه از زمان، هر کشور مقدار معینی از نیروی کار، زمین قابل بهره برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی و تعدادی کارآفرین دارد. کشورها، مانند مردم، با کمیابی منابع روبه رو هستند.

۱۸- کمیابی منابع چه پیامدی برای جامعه دارد؟

کمیابی منابع، هر جامعه را با **مبادله** مواجه می سازد. اگر منابع بیشتری برای تولید یک کالا و خدمات اختصاص داده شود، منابع کمتری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می ماند.

«اصل سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید»

۱۹- منظور از قید بودجه چیست؟

وقتی شما مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن دارید، در این حالت می گوئیم شما یک قید بودجه دارید. به دلیل اینکه بودجه تان محدود است، شما مجبورید بین گزینه های خود بده - بستان کنید.

۲۰- فرض کنید شما ۲۵ هزار تومان برای صرف ناهار پول دارید. در شکل زیر نحوه انتخاب بین بیسکویت و شکلات را بررسی کنید. هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه نشان دهنده مقدار بیسکویت و شکلاتی است که با ۲۵ هزار تومان می توان خرید.

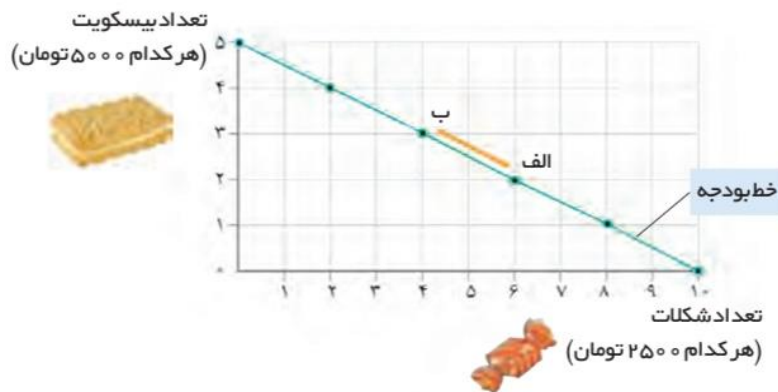
بده - بستان بین نقاط الف و ب چگونه است؟

در نقطه «ب» ما می توانیم سه بیسکویت به ارزش ۱۵ هزار تومان و چهار شکلات به ارزش ۱۰ هزار تومان بخریم.

در نقطه «الف» ما می توانیم دو بیسکویت به ارزش ۱۰ هزار تومان و شش شکلات به ارزش ۱۵ هزار تومان بخریم.

اگر از نقطه الف به ب یا بالعکس حرکت کنیم، چه تغییری در مقدار انتخاب شده از هر یک از این دو کالا روی می دهد؟

اگر از نقطه «الف» به «ب» حرکت کنیم از ۲۵ هزار تومان پول می توانیم بیسکویت بیشتر و شکلات کمتری خریداری کنیم و اگر از نقطه «ب» به «الف» حرکت کنیم شکلات بیشتری می توانیم خریداری کنیم ولی از میزان خرید بیسکویت ما کاسته خواهد شد.



«اصل چهارم: هزینه های دررفته را فراموش کنید»

۲۱- منظور از هزینه دررفته چیست؟

هزینه هایی که پرداخت شده است و شما نمی توانید آن را باز گردانید «**هزینه دررفته**» نام دارد؛ این هزینه ها نباید تأثیری در انتخاب و تصمیم شما داشته باشد.

۲۲- اگر شما ده هزار تومان پول بلیت، برای تماشای تئاتر پرداخت کنید ولی در حین تماشای تئاتر تصمیم بگیرید سالن را ترک کنید و به تماشای یک فیلم در سینما با بلیت هشت هزار تومان بروید هزینه دررفته و هزینه فرصت سینما رفتن چیست؟

هزینه دررفته: ده هزار تومان پولی است که برای تماشای تئاتر پرداخت کرده اید. چون این هزینه غیر قابل اجتناب است و دیگر قابل برگشت نیست.

هزینه فرصت سینما رفتن: هشت هزار تومان پولی که برای تماشای فیلم پرداخت کرده اید (آن چیزی است که هنگام رفتن از تئاتر به سینما باید از دست بدهید)

۲۳- مفهوم هزینه های دررفته را به چه چیزی می توان تشبیه کرد؟

مفهوم هزینه های دررفته را می توان پولی تصور کرد که به یک چاه عمیق افتاده است و دیگر قابل دسترس نیست.

۲۴- تنها هزینه ای که بر تصمیم گیریتان موثر است چیست؟

تنها هزینه ای که بر تصمیم گیریتان مؤثر است، هزینه هایی است که در زمان تصمیم گیری شما به وجود می آیند.

۲۵- برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرد به چه نکاتی باید توجه کنید؟

برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرید:

الف) تشخیص تفاوت هزینه هایی که بر تصمیم شما تأثیر گذارند، بسیار مهم اند؛ هزینه های دررفته مهم نیستند، چون دیگر رفته اند و قابل برگشت نیستند.

ب) باید هزینه ها در مقابل منافع سنجیده شوند.

«اصل پنجم: بین هزینه ها و منافع خود، مقایسه کنید»

۲۶- چگونه می توانید بین منافع و هزینه های خود، مقایسه کنید؟ مثال بزنید.

برای اینکه تصمیم گیری منطقی باشد باید تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنید و در نهایت به این نتیجه برسید که در گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، منافع بیشتر از هزینه هاست.

مثلاً افراد وقتی سوار خودرو می شوند منافع بستن کمربند ایمنی را با هزینه های آن مقایسه می کنند؛ ممکن است برخی با مقایسه بالا بلافاصله کمربند ایمنی خود را ببندند و برخی دیگر در بستن کمربند ایمنی سهل انگاری کنند! البته همیشه مقایسه هزینه ها و منافع بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می گیرد.

۲۷- برای تصمیم گیری منطقی، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

الف) مقایسه منافع و هزینه ها «باید تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنید و در نهایت به این نتیجه برسید که در

گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، منافع بیشتر از هزینه هاست.»

ب) توجه به نوع تصمیم در انتخاب

۲۸- دو نوع گسترده از انواع تصمیمات چیست؟ مثال بزنید.

دو نوع گسترده از انواع تصمیمات وجود دارد.

الف) اولین دسته به یک انتخاب از میان گزینه های مختلف می پردازد. (مثلاً گاهی اوقات گزینه های تصمیم ما این است که مطالعه کنیم یا به گردش برویم)

ب) دسته دیگر به انتخاب چه مقدار از هر چیز اشاره می کند. (گاهی درباره میزان مطالعه یا مدت زمان گردش در حال تصمیم گیری هستیم.)

«چرا برخی مردم تصمیمات غیر منطقی می گیرند؟»

۲۹- چرا برخی مردم تصمیمات غیر منطقی می گیرند؟ مثال بزنید. (اشتباهات رایج در تصمیم گیری)

الف) اثرگذاری حقه های فروش بر تصمیم گیری ها

- وقتی که جنس ۱۶۰ هزار تومانی که ۵۰ درصد تخفیف دارد را بر جنس ۸۰ هزار تومانی ترجیح دهیم.

- وقتی فقط به دلیل اینکه حراج یا فروش ویژه اعلام شده خرید می کنیم.

ب) توجه به هزینه های درفته

- وقتی غذایی را که سفارش داده شده دوست ندارید؛ اما به خاطر پولی که داده اید تا آخرش می خورید.

- کلاس بی کیفیتی را چون پول داده اید تا آخر می روید.



ج) بی صبری زیاد (ترجیح حال به آینده)



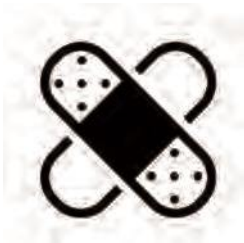
- به جای صبر در تحصیل و یادگیری و بهره مندی از منافع آتی آن، سراغ کارهای کم ارزش آتی می رویم.
- برای تأمین هزینه های مصرف فعلی، زیر بار سنگین انواع بدهی می رویم.

د) اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن (ترجیح آینده به حال)



- خوش بینی زیاد درباره درآمد آینده و پس انداز کمتر برای نیازهای آتی
- سرمایه گذاری در زمینه های پرخطر، بدون آمادگی لازم.

و) چسبیدن به وضعیت فعلی



- چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه های جدید با رویکرد منطقی هزینه - فایده

فعالیت فردی در کلاس صفحه ۳۰.....

کدام خودرو؟

فرض کنید پدرتان می خواهد از بین سه خودرو جدول زیر یکی را برای خرید انتخاب کند. ستون دوم به ارزش گذاری ذهنی بر اساس معیارهای واقعی مثل نیاز، کیفیت، کارکردها، هویت، زیبایی و... اشاره دارد. ستون سوم، مربوط به منافع داشتن آن خودرو است که به صورت عددی درآمده و مقداری است که خرید آن برای شما می ارزد و ستون چهارم قیمت آن در بازار است. به نظر شما کدام یک ارزش خرید بالاتری دارد؟

منفعت خالص (=منافع-هزینه) (به میلیون تومان)	هزینه خودرو (به میلیون تومان)	منافع خودرو (به میلیون تومان)	ارزش گذاری ذهنی	خودرو
-۲۰	۱۲۰	۱۰۰	عالی	
۱۰	۶۰	۷۰	خوب	
۵	۵۵	۶۰	مناسب	

برای انتخاب باید هزینه-فایده را در نظر بگیریم و گزینه ای که منافع آن بیشتر از هزینه اش باشد را انتخاب کنیم. خودرو شماره یک: ۱۰۰ تا منفعت داشته و ۱۲۰ تا هزینه، تفاوت ۲۰- یعنی هزینه ۲۰ تا بیشتر از منافع است. که مورد انتخاب نیست.

خودرو شماره دو: منافع ۷۰ و هزینه ۶۰ می باشد تفاوت ۱۰ میلیون مثبت است یعنی در این انتخاب ۱۰ میلیون منافع اش بیشتر است.

خودرو شماره سه: ۶۰ میلیون منافع و ۵۵ میلیون هزینه دارد تفاوت ۵ میلیون منفعت است.

اگر انتخاب ما بر اساس مقایسه هزینه-فایده صورت بگیرد قطعاً خودرو شماره دو انتخاب می شود.

فعالیت فردی در کلاس..... صفحه ۳۱.....

چند لاستیک؟

اکنون فرض کنید که می خواهید خودرویتان را بفروشید. لاستیک های آن فرسوده اند اما میزان فرسودگی شان با هم یکسان نیستند. تعویض هر کدام هم اثر متفاوتی بر درآمد فروش خودرو خواهد داشت. بر اساس جدول زیر فکر کنید و بگویید که چند لاستیک را باید قبل از فروش خودرو تعویض کنید؟

لاستیک شماره یک: منفعت ۲۰۰ و هزینه ۱۰۰ می باشد منافع ۱۰۰ تا بیشتر است.

لاستیک شماره دو: منافع ۱۵۰ و هزینه ۱۰۰ می باشد منافع ۵۰ هزار تومان بیشتر است.

لاستیک شماره سه: منافع ۹۰ و هزینه ۱۰۰ می باشد ۱۰ هزار تومان هزینه بیشتر از منافع است.

لاستیک شماره چهار: منافع ۱۰ و هزینه ۱۰۰ می باشد هزینه ۹۰ هزار تومان بیشتر است.

انتخاب بر اساس هزینه فایده است بنابراین انتخاب لاستیک های شماره ۱ و ۲ می باشد.

لاستیک تعویض شده	منفعت (به هزار تومان)	هزینه (به هزار تومان)	منفعت خالص (به هزار تومان)
۱. لاستیک در بدترین شرایط	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲. لاستیک در شرایط بد	۱۵۰	۱۰۰	۵۰
۳. لاستیک در شرایط خوب	۹۰	۱۰۰	-۱۰
۴. لاستیک در بهترین شرایط	۱۰	۱۰۰	-۹۰

برای تفکر و تمرین..... صفحه ۳۲.....

۱- هر کدام از گزاره های زیر را در یکی از منابع کمیاب (منابع طبیعی، نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) طبقه بندی کنید.

منابع کمیاب	گزاره
منابع طبیعی	باغچه خانه که در آن سبزی کاشته اید.
سرمایه فیزیکی	ابزار آلات باغبانی که از آنها استفاده می کنید.
نیروی کار	باغبانی که برای هرس کردن درختان باغچه استخدام می کنید.
سرمایه انسانی	علم و دانشی که در مدرسه کسب می کنید.
منابع طبیعی	کود شیمیایی و آبی که برای باغچه استفاده می کنید.
نیروی کار	زحمتی که برای نگهداری باغچه تان می کشید.
سرمایه انسانی	مهارتی که برای فروش بخشی از سبزیجات باغچه به همسایگان به کار می گیرید.
سرمایه مالی	پولی که در جیبتان است.

۲- هزینه فرصت هر کدام از فعالیت های زیر چیست؟

تعمیر رایانه شخصی

تعمیر رایانه دیگران و دریافت دستمزدی که از دست می دهیم - زمان استراحتی که از دست

می دهیم - زمان تفریحی که از دست می دهیم و...

تماشای فیلم امشب تلویزیون

میزان مطالعه ای که از دست داده ایم - تماشای فوتبالی که از دست داده ایم.

زودتر به رخت خواب رفتن

درس نخواندن - تماشای فیلمی که از دست داده ایم و...

بازی والیبال در مدرسه

کلاسی که نرفتیم و از دست دادیم - زمان استراحتی که از دست می دهیم - زمان مطالعه ای

که از دست می دهیم و...

شغل پاره وقت بعد از زمان مدرسه

مطالعه ای که از دست می دهیم - استراحتی که از دست می دهیم و...

رفتن به دانشگاه بعد از دبیرستان

درآمدی که از کار کردن در یک شرکت از دست می دهیم و...

اشتغال بدون ادامه تحصیل

بهره مندی از تحصیلات و آگاهی علمی که از دست می دهیم و...

۳- تصمیمات زیر را تحلیل کنید:

این لباس را به قیمت خیلی خوبی خریدم؛ زیرا در حراجی بود.

اشاره دارد به تصمیم گیری غیرمنطقی مادر خرید که تحت تاثیر کلمه **حراجی** قرار گرفتیم که در واقع یکی از حقه های فروش

است که بر تصمیم گیری مادر خرید تاثیر گذاشته است.

من «برند معمولی» خریدم؛ زیرا ارزان تر از «برند معروف» بود.

اشاره دارد به تصمیم گیری غیرمنطقی مادر خرید که تحت تاثیر حقه های **های فروش** است که بر تصمیم گیری

مادر خرید تاثیر گذاشته است.

من واقعاً آن تئاتر را دوست نداشتم، اما ترجیح دادم بمانم؛ زیرا پول زیادی برای آن داده بودم.

اشاره دارد به تصمیم گیری غیرمنطقی و اشتباه ما، چون به **هزینه های دررفته** توجه کرده ایم و به خاطر پولی که پرداخت

کرده ایم تناثری را که دوست نداشته ایم را کامل تماشا کرده ایم و وقت وزمانی را که می توانستیم به یک کار بهتر و مورد علاقه اختصاص بدهیم را از دست داده ایم در حالی که هزینه های دررفته نباید در انتخاب و تصمیم ماثیر داشته باشد. من غواصی را دوست دارم و بسیاری از دوستانم هم آن را دوست دارند. مطمئنم که می توانم مغازه وسایل غواصی باز کنم و پول در بیاورم. فکرمی کنم بهتر است مدرسه را ترک کنم و یک مغازه وسایل غواصی راه بیندازم. اشاره دارد به تصمیم گیری غیر منطقی مادر انتخاب شغل، که اشتباه رایج اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرای بودن می باشد یعنی ترجیح آینده به حال (خوش بینی زیاد درباره درآمد آینده و پس انداز کمتر برای نیازهای آتی - سرمایه گذاری در زمینه های پرخطر، بدون آمادگی لازم) تا حالا فهرست وظایف برای خودم ننوشته ام، چون فکر می کنم به وقت زیادی نیاز دارد. اشاره دارد به چسبیدن به وضعیت فعلی یعنی پرهیز از گزینه های جدید به دلیل عادت، که یکی از اشتباهات رایج مادر تصمیم گیری می باشد.

۴- در درس قبل، میزان سود (یا زیان) کارگاه آقای محمدی را محاسبه کردیم. اکنون در نظر بگیرید که پدر امیر علی و ستایش می توانست به جای احداث کارگاه، در یک اداره دولتی با حقوق ماهیانه چهار میلیون تومان، استخدام شود. با توجه به اطلاعات زیر، مجدداً سود یا زیان ماهانه کارگاه را محاسبه کنید و نتیجه را در کلاس به بحث بگذارید.

خرید مواد اولیه برای تولید ماهیانه: ۱۰۰ میلیون تومان

پول آب و برق و گاز و عوارض شهرداری و مالیات سالانه: ۸۰۰ میلیون تومان

دستمزد ماهیانه هر کارگر: ۲ میلیون تومان (مجموعاً ۲۰ کارگر)

درآمد سالانه: ۲/۵ میلیارد تومان

کل محصول × قیمت = درآمد

هزینه ها:

$$۱۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۱۲ \times ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ = \text{خرید مواد اولیه برای تولید سالانه}$$

$$۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ = \text{پول آب و برق و گاز و عوارض شهرداری و مالیات سالانه}$$

$$۴۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۲۰ \times ۲/۰۰۰/۰۰۰ = \text{دستمزد سالانه کارگران}$$

$$۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۱۲ \times ۴۰/۰۰۰/۰۰۰$$

$$۲/۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۱۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ + ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ + ۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ = \text{مجموع هزینه ها}$$

هزینه - درآمد = سود

$$۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۲/۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ = \text{سود سالانه کارگاه}$$

**** سود سالانه کارگاه آقای محمدی بیست میلیون تومان می باشد اگر آقای محمدی به جای احداث کارگاه در یک اداره دولتی با حقوق ماهیانه چهار میلیون تومان مشغول به کار می شد می توانست در سال، چهل و هشت میلیون درآمد داشته باشد. پس در واقع هزینه فرصت کارگاه، درآمدی سالانه ای است که آقای محمدی با کار کردن در یک اداره دولتی از دست می دهد (چهل و هشت میلیون تومان) پس با این فرض نتیجه می گیریم آقای محمدی با احداث کارگاه به جای کار کردن در یک اداره دولتی ضرر کرده است.**

$$۴۸/۰۰۰/۰۰۰ = ۴/۰۰۰/۰۰۰ \times ۱۲ = \text{درآمد سالانه آقای محمدی در اداره دولتی}$$

$$۲۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۲/۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ = \text{سود سالانه کارگاه}$$

$$۲۸/۰۰۰/۰۰۰ = ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۴۸/۰۰۰/۰۰۰ = \text{هزینه فرصت احداث کارگاه}$$

در واقع آقای محمدی با در آمد بیست میلیون، در آمد چهل و هشت میلیون راز دست می دهد یعنی بیست و هشت میلیون ضرر کرده است.
*** لازم به ذکر است که در این جادر آمده به صورت سالانه محاسبه شده است.**

بررسی هزینه فرصت کارگاه بصورت ماهانه

(هزینه های غیر مستقیم + هزینه های مستقیم) - در آمد = سود یا زیان

$$۲۰۶/۶۶۶/۶۶۶ = ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ + (۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \div ۱۲) = \text{مجموع هزینه های مستقیم ماهانه}$$

$$۴/۰۰۰/۰۰۰ = \text{مجموع هزینه های غیر مستقیم ماهانه}$$

$$۲۰۸/۳۳۳/۳۳۳ = ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \div ۱۲ = \text{درآمد ماهانه کارگاه}$$

$$-۲/۳۳۳/۳۳۳ = ۲۰۸/۳۳۳/۳۳۳ - (۲۰۶/۶۶۶/۶۶۶ + ۴/۰۰۰/۰۰۰) = \text{سود یا زیان ماهانه}$$

زیان و ضرر کرده است.

تحلیل کنید:

* هزینه فرصت چیست و چرا معمولاً از دید ما پنهان است و آن را به حساب نمی آوریم؟

هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما آن را هنگام انتخاب از دست داده اید. چون فرد مستقیم پولی را خرج نمی کند و خیلی اوقات افراد در زندگی خود در تصمیم گیری هایشان بصورت منطقی عمل نمی کنند و هزینه ها و منافع گزینه های مختلف را با هم مقایسه نمی کنند و بدون مقایسه هزینه و منافع، دست به انتخاب می زنند و به منافع گزینه هایی که از دست می دهند توجه نمی کنند به همین دلیل معمولاً هزینه فرصت از دید ما پنهان می ماند و آن را به حساب نمی آوریم.

* به حساب آوردن هزینه فرصت چه تأثیری در انتخاب ما خواهد گذاشت؟

تنها هزینه ای که بر تصمیم گیری ما مؤثر است، هزینه هایی است که در زمان تصمیم گیری ما به وجود می آیند یعنی همان هزینه فرصت، اگر ما در انتخاب خود به هزینه فرصت انتخابمان توجه کنیم و بررسی کنیم که با این انتخاب چه هزینه و فرصتی را از دست می دهیم در تصمیم گیری بهتر عمل خواهیم کرد و هزینه ها و منافع را با هم سنجید و تصمیمی را خواهیم گرفت که بیشترین منافع را برای ما در پی داشته باشد.

* چگونه می توانیم بین منافع و هزینه های خود، مقایسه درستی انجام دهیم؟

برای اینکه تصمیم گیری منطقی باشد باید تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنید و در نهایت به این نتیجه برسید که در گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، منافع بیشتر از هزینه هاست.

مثلاً افراد وقتی سوار خودرو می شوند منافع بستن کمربند ایمنی را با هزینه های آن مقایسه می کنند؛ ممکن است برخی با مقایسه بالا بلافاصله کمربند ایمنی خود را ببندند و برخی دیگر در بستن کمربند ایمنی سهل انگاری کنند! البته همیشه مقایسه هزینه ها و منافع بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می گیرد .